

درس سیصد و نود و دوم: صوت ۴۱۴

نظر مرحوم کمپانی در باب اضطرار در بعض
اطراف علم اجمالی (۳)

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

کلام مرحوم کمپانی در تفسیر مبنای مرحوم
آخوند در جلسه قبل عرض شد. مرحوم آخوند از
آنجایی که ترخیص تخییر را منافی با حرمت تعینیه
می‌دانند بنابراین علم فعلی نسبت به احکام متتفی
خواهد شد و با انتفاء علم فعلی دیگر مجالی برای
حکم به حرمت مخالفت قطعیه باقی نمی‌ماند، زیرا
قائلین به علم فعلی نسبت به اطراف علم اجمالی از
آنجایی که وجوب موافقت قطعیه متعذر است قائل
به استصحاب اشتغال ذمه و بالتیجه حرمت مخالفت
قطعیه هستند. این کلام مرحوم آخوند بود که عرض
شد.

مرحوم کمپانی در رد این مسئله فرمودند که
ترخیص تخییری، حکم شرع نیست بلکه این عبارت
از حکم عقلی است نه حکم به معنای انشاء بلکه به
معنای معذوریت عقل در مقام فعل در صورت
مطابقت با حرام واقعی. پس در اینجا دو مسئله باید

مورد توجه قرار بگیرد؛ اول اینکه این ترخیصی که مرحوم آخوند می‌فرمایند: «ترخیص تخییری» و این مسئله با حرمت تعینّی تعارض و مانعیت دارد، چیست؟ و مسئله دوم جواب مرحوم کمپانی که می‌فرمایند: ترخیص عقلی با ترخیص شرعی فرق می‌کند، به چه معنایی است؟

در مسئله اولی همان‌طوری که ایشان در کفایه فرمودند در حرمت تعینّیه که عبارت از اجتناب از خمر است در آنجا مسئله بر علم تفصیلی یا بر علم اجمالی تعلق می‌گیرد. شارع در مقام بیان حکم، حکم را معلق بر خمر در صورت علم اجمالی نکرده است بلکه حرمت را معلق بر خمر به نحو اطلاق کرده است حالا این به نحو اطلاق در صورت مصداقیت خارجی به دو قسم مصداق پیدا می‌کند؛ مصداقیت تعینّیه یا مصداقیت غیر تعینّیه.

فرق حرمت تعینّیه و حرمت تخییری

بنابراین بر مبنای مرحوم آخوند شارع حرمت خمر را روی خمر خارجی برده است متعیناً؛ آن خمر خارجی متعین حرام است و چون ترخیص نسبت به

طرفین ملازم و مقارن با حرمت تعینیه خمر است این
ترخیص با حرمت تعینیه مخالفت می‌کند. فرقی که
با حرمت تخیریه هست، در صورت حرمت تخیریه
أحدهما حرامٌ یعنی امر دائر مدار بین یک حرام مخیر
است که مکلف هر کدام از این دو را اتیان بکند،
طرف مقابل او حلال است. یا این حرام است یا آن
حرام است و طرف دیگر او حلال می‌شود نه اینکه
طرف دیگر او هم حرام است مانند دوران امر بین
وجوب و حرمت یا فرض کنید دو امر، امر حرام
است و مکلف نسبت به اتیان یکی از این دو امر مخیر
است که این امر حرام را انجام بدهد یا آن امر حرام
را انجام بدهد. این را حرمت تخیریه می‌گویند.
فرض کنید این شخص هردو را باهم نمی‌تواند اتیان
بکند، یا سرقت نسبت به این مال است یا سرقت
نسبت به آن مال است و جمع بین هردو نمی‌شود.
همان‌طوری که در شبهه در مکلف به، وجوب
تخیریه داریم همین‌طور حرمت تخیریه هم در آنجا
وجود دارد. یا اینکه فرض کنید مثل دوران امر بین
وجوب و حرمت در صورت باب تعارض که در آنجا
هم مسئله به تخییر آن شخص برمی‌گردد؛ در آنجایی

که دو روایت هستند و یک روایت دلالت بر حرمت
شیء می کند و روایت دیگر دلالت بر وجوب شیء
می کند خب این حرمت تخییره می شود یا اینکه
انسان علی کل حال باید نسبت به واجب اخذ بکند یا
اخذ نسبت به حرام بکند و از باب تجنب از حرام
واقعی، آن کف در عمل را داشته باشد ولی در
مانحن فیه که عبارت از مصداقیت حرام است، این
حرمت تعلق به یک امر متعین گرفته است منتها آن
امر متعین، مشتبّه بین إنائین است **إِمَّا هَذَا الْإِنَاءُ أَوْ
هَذَا الْإِنَاءُ.**

پس در مقام انشاء همان طوری که اگر این حرمت
بر امر حرام متعین تعلق بگیرد در صورت تعارض و
تزام با اضطرار به امر متعین، آن حرمت منتفی
می شود همین طور در صورت تعلق امر حرام بر یک
متعلّق متعین با وجود ترخیص شارع در مقام فعل،
این هم منتفی خواهد شد. وقتی که شارع أحدهما را
مخیراً ترخیص می دهد که شما می توانید تناول کنید،
چطور با تخییر شارع ممکن است شارع بگوید که
أحدهمای متعین در اینجا حرام است؟! هر کدام از
این دو را که شما اشاره کنید به نحو تعین، آن

ترخیصِ تخییری می آید آن تعین را منتفی می کند.

اهمّ از هر جهت بودن ترخیصِ تخییری

من باب مثال الآن دو إناء هست و شارع بگوید که

این إناء متعیناً حرام است - در صورت دوران امر بین

إنائین - با وجود حکم شارع به حرمت این إناء

متعین، ترخیصِ تخییری چطور معنا دارد؟! دیگر

نمی تواند معنا داشته باشد. اگر شارع بگوید که این

إناء متعیناً حرام است دیگر نمی تواند حکم به

ترخیصِ تخییری کند! شارع در آنجا می تواند حکم

به تعین در تناول بکند و بگوید که اگر این حرام

است شما باید این را در مقام اضطرار تناول کنید یا

اگر این حرام است شما این را باید در مقام اضطرار

تناول کنید پس اینکه شارع علی حدّ سواء حکم به

ترخیصِ تخییری بین این و آن کرده است دلیل بر

این است که هیچ کدام از این دو به نحو متعین

نمی تواند حرام باشد. وقتی که هیچ کدام از این دو

به نحو متعین حرام نبود بنابراین علم فعلی به اطراف

علم اجمالی محقق نیست و وقتی که علم اجمالی

محقق نشد در این صورت حرمت مخالفت قطعی هم

منتفی خواهد شد چون حرمت مخالفت قطعی

در صورتی است که علم اجمالی به اطراف فعلیت داشته باشد، در حالی که علم اجمالی وجود ندارد و شارع می گوید که شما در اختیار هر کدام از طرفین مرخص هستید. در لحظه واحد حکم شارع به ترخیص است آن وقت آیا ممکن است شارع بگوید که شما مرخص هستید در حالی که متعیناً این حرام است؟! نمی شود، این جور در نمی آید یعنی ترخیص در اینجا اهمّ است و آن جنبه حرمت متعین را از بین می برد. خب این حرمت متعین از بین رفت و سراغ این إناء آمدیم؛ شارع می گوید که شما مرخص هستید ولی حکم دیگر بکند که این متعین حرام است، دیگر این دوتا متناقضین هستند و نمی شود شارع حکم به حرمت تعینی این إناء بکند و حکم به ترخیص بکند! و از آنجایی که ترخیصِ تخییری اهمّ از هر جهت هست پس شارع حکم به حرمت نمی تواند بکند.

این همان چیزی است که در مقام جعل ما گفتیم که شارع مقارن با جعل حرمت برای خمر، حکم به جواز تناول کرده است و این حرمت خمر در مقام

جعل معلّق به عدم وجود مانع است این منظور از کلام مرحوم آخوند در اینجا هست. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید که وقتی عقل حکم به معذوریت در مقام تخییر کرد، این معذوریت در موافقت علم اجمالی، با حرمت مخالفت قطعیّه منافات ندارد. شخص در عین لزوم موافقت علم اجمالی ممکن است با اجتناب از طرف دیگر به حرمت مخالفت قطعیّه ملتزم بشود. کسی دیگر نمی‌تواند این حرف را بزند. چرا؟ چون اصلاً در اینجا علم فعلی وجود ندارد. علم فعلی به حرمت این متعیّناً؟! خب این وجود ندارد و شارع حکم به ترخیص کرده است. علم فعلی به حرمت آن متعیّناً؟! آن هم وجود ندارد. چون شارع حکم به ترخیص کرده است و در هر کدام از این دو دیگر علم فعلی به حرمت تعینی وجود ندارد و وقتی که علم فعلی به حرمت نبود اضطرار تخییری جای آن می‌نشیند، اضطرار تخییری هم که عبارت از اباحه یا وجوب است. این کلام مرحوم آخوند بود که یک قدری مفصل تر راجع به این قضیه صحبت شد.

قبل از اینکه ما به اشکال مرحوم کمپانی پردازیم

که مسئله را به معذوریت عقلی گرفتند نه به حکم عقلی، باید جوابی که از این مطلب می‌شود داد را بیان کنیم و مطلب این است که در این قضیه حکم شارع به حرمت تعینیه قطعاً با جواز ترخیصِ تخییری منافات دارد و ما در این حرفی نداریم یعنی اگر شارع حکم به حرمت إناء متعین کند که **هذا الإناء حرامٌ و فی نفس الوقت** حکم به ترخیص تناول کند! خب این نمی‌شود و این دوتا با همدیگر منافات دارند که در عین حکم به حرمت تعینی، حکم به ترخیص بکند!

تلمیذ: ترخیص یا تخییر؟!

معنای حرمت تعینیه

استاد: نه این در اینجا خارج از مانحن‌فیه است. ببینید مانحن‌فیه این است که شارع در مقام مصداقیت حکم کرده است که **هذا الإناء حرامٌ**، خب حرمت تعینیه معنایش این است که یک امر متعیناً در خارج حرام است. پس وقتی که شارع حکم به حرمت تعینیه کرده است در نفس وقت و در همان حال آیا ممکن است حکم به جواز اقتحام کند؟!

شارع که حکم به حرمت تخییری نمی کند، مسئله عقلی است و شارع فقط می آید حکم به حرمت خمر می کند، این وظیفه شارع است. عقل در مقام امتثال وقتی می بیند که خمر مردد بین این إناء و این إناء است، حکم می کند به وجوب اجتناب از کِلا الإنائین نه فعلاً، همین که می خواهد از کِلا الإنائین اجتناب بکند در اینجا اضطرار پیدا می شود و این اضطرار حکم شرع است به جواز اقتحام نسبت به این إناء با وجود حرمت فعلیه؛ اگر حرمت فعلیه باشد یعنی شارع بگوید که درعین حال که من خمر را حرام کردم درعین حال **يَجوز الاقتحام و يجوز التناول**، این دوتا باهم منافات دارند.

در کلام مرحوم آخوند مرحله مرحله جعل است، ما هنوز در مرحله جعل داریم بحث می کنیم، لذا مرحوم آخوند فرمودند که فقدان موضوع در خارج با مرتبه انشاء و مرتبه جعل منافات ندارد یعنی شارع در مقام جعل وقتی می خواهد جعل حرمت را برای خمر بکند آیا جعل حرمت را برای خمر با وجود اضطرار می کند؟! خب این جمع بین متنافیین است؛ از یک طرف شارع می گوید: **الخمر حرام** از آن طرف

می گوید که می شود تناول کنی! اینکه نمی شود! بله،

الْخَمْرُ حَرَامٌ بِنَحْوِ الْإِطْلَاقِ بسیار خوب مطلبی

نیست یا **الاضطرارُ موجبٌ لِلإِبَاحَةِ بِنَحْوِ الْإِطْلَاقِ**

این هم مطلب دیگری است اما شارع بگوید که **فِي**

نَفْسِ الْوَقْتِ در جعل واحد حرمت متعلق بر خمر

بشود درعین حال اضطرار به او متعلق بشود، این

جمع متنافیین است! این همان منظور مرحوم آخوند

است. به این حرمت تعینیه نسبت به إناء می گویند،

با وجود ترخیصِ تَخْيِيرِ فعلی نسبت به همان إناء این

جمع بین متنافیین است و برای رفع جمع بین

متنافیین چاره در اینجا این است که مصلحت اهمّ در

اضطرار می آید موضوع برای حرمت را برمی دارد

وقتی موضوع حرمت را برداشت چون **الْخَمْرُ مِنْ**

حَيْثُ هُوَ که حرام نیست بلکه خمرِ دارای مفسده

حرام است **مِنْ حَيْثُ إِنَّ لَهُ مَفْسَدَةً**، زنا مِنْ حَيْثُ هِيَ

هی فعل خارجی است و فعل خارجی که حرام

نیست. **الزَّانَا مِنْ حَيْثُ إِنَّ فِيهِ مَفْسَدَةً** حرام است.

سرقت که حرام نیست، سرقت یک امری است

همان طوری که شما دست در جیب خودتان می کنید

پول درمی آورید همین طور دست در جیب شخص
کناری خود می کنید پول درمی آورید، پس هردو
درآوردن است هردو اخذ مال است. خب این نفس
فعل یعنی این وضع ید در جیب شخص دیگر با
وضع ید در جیب انسان چه فرقی می کند؟! چرا به
آن عنوان حرام داده می شود و به این عنوان حلال؟!
به خاطر اینکه **فی وضع الید فی جیب شخص**
الأجنبی مفسدةٌ فلهذا المفسدة یصیر حرام، فی
الزنا مفسدةٌ و الاً زنا با نکاح با زوجه چه فرق
می کند؟! هردو یکی است. چرا یکی ثواب دارد یکی
عقاب دارد درحالی که هردو عمل واحد است؟!
بنابراین این اضطرار موضوع برای حرمت را
برمی دارد و آن **الخمُرُ ذا مفسدةٍ الزنا ذا مفسدةٍ،**
السرقَةُ ذا مفسدةٍ و تمام این **ذا مفسدةٍ** را این اضطرار
در مقام جعل برمی دارد و وقتی مفسده برداشته شد
دیگر حکمی متعلق نیست و حکمی دیگر نمی ماند.
این کلام مرحوم آخوند است.

حالا ببینیم این کلام ایشان چیست. چند جلسه
قبل که خدمتتان عرض کردم راجع به این مسئله که
بعداً صحبت می شود این نکته است که باید راجع به

آن صحبت بشود که کیفیت جعل و نحوه جعل به چه شکل است.

اللهم صل على محمد و آل محمد